

سخنرانی در مراسم بیعت خانواده‌های شهدای هفتم تیر، قضات و مسؤولان دادگستری و مردم لرستان - 7 تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً به همه‌ی شما برادران بزرگوار در شورای عالی قضایی و قضات محترم و کارمندان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های عزیز شهدای عالی‌قدر هفتم تیر - که یادگارهای ارزنده‌ی یکی از مقاطع مهم انقلاب هستند - و علما و ائمه‌ی جمعه‌ی محترم استان لرستان و شما اقشار مؤمن و مخلص و غیور آن استان، مصیبت جانگداز رحلت امام عزیز و بزرگوار را تسلیت عرض می‌کنم. ان شاء الله خداوند سنگینی بار این مصیبت را که بر دوش ملت ایران است، مایه‌ی اجر و ثواب و رحمت خود قرار بدهد و به همه‌ی آنان قدرت صبر و استقامت در راه آن قائد و رهبر عظیم‌الشأن عنایت کند.

مسأله‌ی هفتم تیر، حادثه‌ی فراموش‌نشده‌ی در تاریخ انقلاب ماست و هنوز هم در دنیای سیاست و در سطح جهان، هفتم تیر قابل طرح و احتجاج است. در ماجرای هفتم تیر، دو گروه رسوا شدند:

گروه اول کسانی بودند که ادعا می‌کردند طرفدار مردم و خلق و انقلابند. آنها پرده‌ی غلیظی از ریا و دروغ و خدعه بر کار خودشان کشیده بودند. حادثه‌ی هفتم تیر، این پرده را درید و آنها را افشا کرد. گروه‌ها بعد از این واقعه خیلی هم تبلیغات کردند، اما ملت ایران تحت تأثیر آن حادثه و حوادث مشابه آن که بعداً اتفاق افتاد - اگرچه به آن عظمت نبود - چهره‌ی منافقین و گروه‌های مدعی را شناخت؛ معلوم شد اینها ضد همه‌ی ارزشهای انسانی هستند و از آدمکشی در ابعاد وسیع آن ابایی ندارند و به خاطر تحقق هدفها و مقاصد شوم خود، حاضرند با انقلاب بزرگ اسلامی - که در حساسترین لحظات عمر خود، درگیر جنگ همه‌جانبه شده بود - مبارزه کنند و در چنین شرایطی دست به جنایتی بزرگ بزنند و ملت ایران را داغدار کنند.

گروه دوم، قدرتهای جهانی مدعی حقوق بشر و ضدیت با تروریسم بودند. البته باز هم سردمداران سیاستهای جهانی، با وقاحت و گستاخی همین شعارها را می‌دهند و هنوز هم سردمداران رژیم امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی ادعا می‌کنند که با تروریسم مخالفند! لیکن مسأله‌ی تبلیغات و هیاهو و جنجال یک مسأله است، و واقعیت‌هایی که برای مردم آگاه و بصیر در سطح عالم روشن می‌شود، مسأله‌ی دیگری است.

کاملاً واضح است که وقتی دولتی مثل امریکا یا بعضی از کشورهای اروپایی، از گروه‌های تروریستی که دستشان به خون آحاد ملت آغشته است، حمایت می‌کنند و آنها را در کشورهای خود راه می‌دهند و پناهنده‌ی سیاسی قلمداد می‌کنند، نمی‌توانند در ادعای مبارزه با تروریسم صادق باشند. اینها مروج تروریسم هستند و تروریست‌ها را برای تحقق مقاصد شوم خود، در دامان خویش تربیت می‌کنند.

کیست که نداند بسیاری از گروه‌های داخلی ایران - حتی آنهایی که صبغه‌ی چپ داشتند - از منابع مالی دولتهای غربی و امریکا تغذیه می‌شدند و هنوز هم می‌شوند؟! ملت ایران، این ادعاهای دروغین را شناخت. دیرباورترین افراد هم فهمیدند که دولت امریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی و جوامع به اصطلاح متمدن طرفدار حقوق بشر، کمترین خبری از حقوق بشر ندارند و کوچکترین دفاعی از آنها نمی‌کنند!

کسانی که در حادثه‌ی هفتم تیر و دیگر حوادث انقلاب به شهادت رسیدند و خونشان ریخته شد، نفوس زکیه‌ی از افراد بشر و انسانهای ممتاز جامعه بودند. در بین اینها، علما و دانشمندان و مبارزان قدیمی و توده‌های مردم و انسانهای فداکار و کسانی که برای ملت و کشور و آرمان و انقلابشان فداکاری می‌کردند، وجود داشتند. کشتن آنها طبق کدام میزان از موازین مجاز است، و چه کسی می‌تواند کشندگان آنها را تروریست نداند و جنایتکار نخواند و محکوم نکند؟ این، یک حقیقت روشن است.

ما به ادعاهای طرفداری از حقوق بشر، که امروز از طرف دولتها و سازمانهای وابسته به ابرقدرتها در دنیا اعلام می‌شود، کوچکترین اعتقادی نداریم. ما اینها را فریب و خدعه و دروغ می‌دانیم. ما معتقدیم تروریسم در دامان رژیم

امریکا و بسیاری از حکومت‌های غربی و قدرتهای زورگویی جهانی پرورش می‌یابد و رشد می‌کند. ملتی که به هیچ قدرتی از قدرتهای عالم وابسته نیست و از حقوق خود و مرزهایش دفاع می‌کند و دم از استقلال می‌زند و به اعتراف همه‌ی دنیا می‌خواهد بر سرنوشت خود مسلط باشد، با چه مجوزی یک عده از افراد خرابکار حق داشته باشند انسانهای بالارزش و دانشمند و انقلابی این کشور را با چنین وضعیت خون‌آشامانه‌ی ترور کنند و به شهادت رسانند و بعد هم دولتهای غربی بدون هیچ شرم و ملاحظه‌ی، اسم اینها را به عنوان یک سازمان بیاورند و در کشورشان راه بدهند و نشریات اینها را منتشر کنند؟! اجتماعاتی مثل "پارلمان اروپا" و دیگر جاها که تغذیه‌ی پولی و سیاسی اینها را در سطح جهان برعهده دارند، خود را در تاریخ و در چشم انسانهای منصف و آگاه این روزگار محکوم کردند و لکه‌ی ننگی برای خویش باقی گذاشتند. این از برکات خون پاک شهدای عزیزی است که در فاجعه‌ی هفتم تیر به شهادت رسیدند. حقیقتاً شهادت آنها مظلومانه بود و خون پاکشان دامن جانیها و قاتلها و گروهکهای وابسته را گرفت.

به مناسبت حضور آقایان محترم دستگاه قضایی، چند جمله‌ی را هم درباره‌ی قوه‌ی قضاییه متذکر می‌شوم: شکی نیست که قوه‌ی قضاییه در جمهوری اسلامی ایران، مثل دیگر ارگانها و دستگاههای این نظام، از تلاش مخلصانه و دلسوزانه و عظیم و بالارزش برخوردار است. در طول این چند سال، قضات دادگاهها و دادرها و دستگاههای عالی قضایی و دست‌اندرکاران امور اداری و همه‌ی عناصر قوه‌ی قضاییه، با الهام از احکام اسلامی تلاش کردند و زحمت کشیدند و حقا و انصافاً زحمت مأجوری را متقبل شدند، که همه‌ی آنها مغتنم است.

در تمام دنیا، قوه‌ی قضاییه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر قوه‌ی قضاییه‌ی سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاههای کشور و جامعه‌ی اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن‌که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاههای دیگر هم بتدریج به فساد خواهند گرایید. به همین دلیل، اسلام نسبت به قضا و قضاوت و قاضی و محکمه و مقدمات کار و ابزار کار قضایی، حداکثر اهتمام را ورزیده است و شاید در تعالیم اسلامی، چیزی به اندازه‌ی عدالت در قضا مورد تأکید واقع نشده باشد.

دستگاه قضایی ما درحقیقت دستگاه جدیدی است؛ زیرا حاکمیت قوانین و مقررات اسلامی، مسایل جدیدی را برای این دستگاه پیش آورده است و همان‌طور که چندین بار از زبان امام عزیزمان هم شنیده شد، برادرانی که در قوه‌ی قضاییه مشغولند، زحمات و تلاشهای فراوانی را کشیده‌اند؛ اما باید در نظام اسلامی، نسبت به رشد و اعتلای روزافزون دستگاه قضایی، همت گماشته شود و در هیچ حدی قانع نبود. حقیقتاً دستگاه قضایی باید ملجأ و مأمن مردم به حساب آید.

در جامعه، کمبود و مشکلات و درگیری و ظلم به افراد و تعرض به اموال و جان و حیثیت اشخاص وجود دارد؛ اما دستگاه قضایی باید به گونه‌ی باشد که هر کس در جامعه مورد ظلم هر مقامی واقع شد، خاطرش آسوده باشد که رسیدگی می‌شود؛ مثل فرزندی که پدر عاقل و مهربان و قوی‌ی دارد و هر کس به او اندک تعرضی کند، دلش محکم است و می‌گوید ظلم تو را به پدرم می‌گویم و او حق من را از تو خواهد گرفت.

بایستی بر تمام آحاد کشور، چنین روحیه‌ی نسبت به دستگاه قضایی حکمفرما باشد. اگر به کسی ظلم شد، بداند که با مراجعه به دستگاه عدل اسلامی، قطعاً آن ظلم برطرف خواهد شد. این یک بعد از ابعاد کار دستگاه قضایی است که مورد انتظار اسلام و همه‌ی مردم است؛ که ان‌شاءالله حرکت دستگاه قضایی، به همان طرف خواهد بود. ما شاهد هستیم که تلاشهای انجام‌شده، تلاشهای خوبی است و ان‌شاءالله دستگاه قضایی را به سمت ایجاد عدالت اسلامی خواهد برد.

بعد دیگر، حاکمیت احکام و ارزشها و ملاکها و معیارهای اسلامی است، که قویترین و متقنترین و محکمترین ملاک و معیار برای اداره‌ی یک مجموعه‌ی قضایی است. نباید در مقابل جنجال مخالفان و دشمنان و کسانی که هر نقطه‌ی مثبتی هم در جامعه‌ی اسلامی باشد، مورد انتقاد قرار می‌دهند، دچار انفعال بشویم.

فرهنگ غربی، شیوه‌ی قضایی اسلامی را قبول ندارد؛ ما هم شیوه‌ی قضایی آنها را قبول نداریم؛ "ولا انتم عابدون ما

عبد ولا انا عابد ماعبدتم". آنها حاضر نیستند موازین قضایی مبتنی بر ارزشهای اسلامی را درک کنند و بفهمند. اصلا فرهنگ غربی اجازه نمی‌دهد که کسی ارزش بینه و قسم و حد و تعزیر و دیگر معیارهای قضایی اسلام را درک کند و بفهمد.

در اسلام، قاضی به جز هیبت قضاوت، هیبت دیگری ندارد، و مسلمانی مثل بقیه‌ی مسلمانهاست؛ روی خاک می‌نشیند، با مردم برادرانه برخورد می‌کند و ترتیب و آداب خاصی برای خود قایل نیست؛ اما در دنیا شکل و آداب دیگری برای قاضی و محکمه و کار قضایی قایلند. ما در مقابل دنیا منفعل نیستیم. ما به معیارهای قضایی متقنی که در اسلام وجود دارد، افتخار می‌کنیم و براساس همان معیارها نیز حرکت می‌کنیم و معتقدیم عدالت در جامعه‌ی اسلامی از طریق قضای اسلامی می‌تواند تأمین شود.

به همه‌ی اقشار مردم ایران توصیه می‌کنم که قدر حیثیت اسلامی و آبروی سرشار انقلاب خود را بدانند و سعی کنند آن را حفظ کنند. اسلام به ملت و کشور ما خیلی عزت و شخصیت داده است. جا دارد که هرچه در توان داریم، از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنیم. دنیا ملتی را مثل ملت ایران نمی‌شناسد که این قدر با قاطعیت و قدرت و اعتماد به نفس، در مقابل زورگوییهای قدرتهای مستکبر جهانی ایستاده باشد و از کسی هم واهمه نداشته باشد. روحیه‌ی ایستادگی و مقاومت در شما مردم و وفاداری نسبت به امام عزیز و بزرگوارمان - که مظهر ایستادگی و مقاومت انقلابی ملت ما بود - و عزتی که از طریق همین ایستادگیها و مقاومتها در دنیا و در چشم ملتها به وجود آمده، موارد نادری است که برای یک ملت به آسانی پیش نمی‌آید.

بحمدالله از اول انقلاب تا امروز، علی‌رغم برخورد با مشکلات فراوان، ملت ما راه مستقیم را - که راه حاکمیت اسلام و عمل به احکام اسلامی است - طی کرده و مشکلات زیاد و گذرگاههای سختی را پشت سر گذاشته است. ما دشمنان زیادی را نسبت به خودمان مأیوس کرده‌ایم و امید آنها را از این که بتوانند در حرکت و هدفهای ما اثری بگذارند، قطع کرده‌ایم.

آینده‌ی بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ی که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمت‌های سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گویم بدون تحمل زحمت می‌شود به آن آینده رسید؛ اما می‌گویم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه‌ی حرکت، می‌توان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدفهای امام (ره) را همیشه در خاطر داشته باشیم و آنها را حفظ کنیم.

باید وحدت و صمیمیتی را که بحمدالله امروز بر سرتاسر کشور ما حاکم است، با جدیت حفظ کنیم و از مخدوش شدن آن جلوگیری کنیم و در تمام صحنه‌های انقلاب حاضر باشیم؛ همچنان که تاکنون ملت ما در همه‌ی صحنه‌های انقلاب حاضر بوده است.

البته دشمن تبلیغات و دروغ‌پراکنی و شایعه‌پردازی می‌کند و سعی دارد که دلها را نسبت به آینده ناامید کند. دشمن تبلیغ می‌کند تا مردم را از ادامه‌ی حرکت باز دارد. از دشمن، جز این انتظاری نیست. آنها سعی می‌کنند وحدت را مخدوش کنند و مشکلات را عمده نمایند. وجود مشکلات برای جامعه و نظامی که جوان و تازه‌کار است، یک امر طبیعی است. جوان بودن سختی‌هایی دارد؛ اما امتیازات زیادی هم به همراه دارد.

ما یک نظام جوان هستیم که از تجربیات گذشته برخورداریم. باید آینده را بسازیم. باید همه دست به دست یکدیگر بدهیم و مشکلات را تحمل کنیم، تا آینده خوب ساخته شود. با تحمل مشکلات است که می‌شود از این معبر عبور کرد. هرگز ارتباط و پیوند مستحکم خود با خدا را فراموش نکنیم. از خدای متعال کمک بخواهیم و تفضل او را طلب کنیم و مطمئن باشیم که خدای متعال به ما کمک خواهد کرد.

امیدوارم پروردگار متعال به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از راههای دور تشریف آوردید و آقایان محترم قوه‌ی قضاییه و مسؤولان محترم این قوه که حقیقتاً زحمات ارزشمندی برای اصلاح و تکمیل قوه‌ی قضاییه کشیدند، مخصوصاً جناب آقای اردبیلی که شخصیت بارزی هستند و سالهای متمادی زحمات قوه‌ی قضاییه را



بردوش دارند، توفیق دهد و لطف و فضل و رحمت خودش را شامل حالتان کند و ان شاء الله به همهی ما کمک کند، تا بتوانیم با تحمل زحمات انقلاب، این بار با ارزش را به سر منزل مقصود برسانیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته